



جریمه ۶۰۰ میلیون دالری  
گوگل به دلیل رعایت نکردن  
حق مالکیت معنوی  
رسانه‌ها در فرانسه



عبدالله به طالبان:

## با صلح گفتن صلح تأمین نمی‌شود

اطلاعات روز: همزمان با تشدید حملات گروه طالبان در کشور، عبدالله، رئیس شورای عالی مصالحه ملی می‌گوید که صلح...

صفحه ۲

کرزی به حکومت و طالبان:

## صلح کنید و کشور را از حالت کنونی نجات دهید



صفحه ۲

## هر فرد یک رسانه نشویم!

صفحه ۴

استراتژی‌های شکستن  
بن‌بست در مذاکرات صلح:

## سازماندهی اقدامات بین‌المللی (۲)

صفحه ۷

یادداشت روز

## حمله به قلب جغرافیای حکومت؛ چرا بازپس‌گیری مالستان تعیین‌کننده است؟

پس از روزها هشدار درباره‌ی خطر سقوط ولسوالی مالستان و چندین روز مقاومت و درخواست مکرر برای ارسال نیرو، تجهیزات، کمک نظامی و حمله بر تجمع طالبان در نواحی مرزی مالستان، سرانجام مرکز این ولسوالی به دلیل بی‌توجهی حکومت در فرستادن نیرو و توجه فوری سقوط کرد. مالستان در طول سال‌های اخیر از جمله امن‌ترین ولسوالی‌های ولایت غزنی بود. ولسوالی‌ای که به شدت مورد توجه گروه طالبان در غزنی بود.

با توجه به تجربه سقوط سایر ولسوالی‌ها در کشور و معامله‌های پیدا و پنهان برخی افراد و گروه‌ها در جهت واگذاری ولسوالی‌ها، همچنین عدم ارسال نیرو و حمایت از سوی دولت و در نهایت بحران رهبری نیروهای امنیتی، سقوط پی‌درپی ولسوالی‌ها این روزها چندان دور از ذهن نیست. اما سقوط ولسوالی مالستان از این زاویه مهم است بی‌توجهی دولت به ندای کمک و درخواست مردم در آن دوباره تکرار شد...

۲

# ولسوالی مالستان برای نخستین بار پس از سقوط حاکمیت طالبان به کنترل این گروه در آمد

منابع محلی در مالستان می‌گویند که طالبان حوالی ساعت ۲:۰۰ پس از چاشت روز دوشنبه به مرکز ولسوالی مالستان رسیده و کنترل این ولسوالی را به دست گرفته‌اند. همزمان قاری یوسف احمدی، سخن‌گوی طالبان نیز اعلام کرده است که ولسوالی مالستان در کنترل جنگ‌جویان طالب قرار دارد.



صفحه ۲

تحلیل ۴

## سیاست‌گذاری وزارت معارف در خصوص غرب کابل؛ با تأکید بر فقدان عدالت آموزشی

نهادهی است که به ارتقای برابری و فرصت برخورداری از زندگی بهتر همه‌ی افراد کمک می‌کند. اما وزارت معارف کشور ما به دلیل برخی چالش‌ها و کژکارکردها از رسالت اصلی‌اش که یکی از آن‌ها عدالت آموزشی، حق دسترسی همه‌ی افراد به‌صورت برابر به امکانات...

نژارش ۵



## قربانیان کوچک جنگ که فراموش می‌شوند

دو ماه قبل که فریبای ۷ ساله با دو برادر ۵ ساله و ۱۱ ساله‌اش با دیگر کودکان همسن‌وسال‌شان در حیاط خانه در ولایت قندوز در حال بازی بودند، جنگ شدیدی در اطراف شهر میان نیروهای دولتی و جنگ‌جویان گروه طالبان جریان داشت...

ترجمه

## قوای هوایی افغانستان چقدر قابل اتکا است؟

شکست دادن طالبانی که تجدیدقوا کرده‌اند به خودی خود کاری دشوار است. اما اگر هلیکوپتری که علیه طالبان به پرواز درمی‌آید، قرار باشد در صورت نقص فنی از راه دور و از طریق دوربین «زوم» ترمیم شود، پیروزی احتمالاً دشوارتر می‌شود.

طی هفته‌های اخیر پنتاگون علاوه بر اینکه نیروهای ارتش را به جز تعدادی محدود از افغانستان بیرون کشیده است، اکثر پیمان‌کاران نظامی را نیز از کشور خارج کرده است. گروهی چند صد نفری که باقی مانده‌اند، قرار است همه‌ی آن کارهایی را که افغان‌ها نمی‌توانند انجام دهند، از جمله تعمیر جنگنده‌ها و هلیکوپترهای قوای هوایی افغانستان و همچنین مسائل لجستیکی قوای هوایی، انجام دهند.

مقامات پنتاگون می‌گویند که با ادامه روند خروج، بیشتر کارهای تعمیراتی در قوای هوایی افغانستان توسط خود خدمه افغان انجام می‌شود و...

۳

بسته‌های ویژه اینترنتی برای  
بلاک‌های رهائشی و خانه‌های انفرادی



و مسأله‌ی ادامه بحران رهبری در نیروهای امنیتی و نظامی را به‌خوبی نمایان می‌کند.

اما پرسش این است که ولسوالی مالدستان اگر سقوط کند پس از آن چه اتفاقی می‌افتد؟ واضح است که ولسوالی جاغوری عملاً در معرض سقوط قرار می‌گیرد. طالبان اگر به این ولسوالی حمله نکنند، می‌توانند آن را با محاصره اقتصادی سقوط دهند. همچنین این قصبه برای ولسوالی ناور هم صادق است. سقوط این ولسوالی‌ها عملاً راه طالب را به هزاره‌جات باز می‌کند و زمینه‌ی حضور آنان را به حیاط‌خلوت قلمرو حکومت یعنی هزاره‌جات می‌گشاید.

اگر نقشه افغانستان را ببینیم هزاره‌جات، بزرگ‌ترین قلمرو و جغرافیایی است که در دست حکومت باقی مانده است. بقیه‌ی کشور یا تحت تصرف گروه طالبان است یا جنگ بر سر آن جریان دارد. به جز این قلمرو، تسلط حکومت بر بقیه کشور، یکپارچه نیست و مثل نقاطی پراکنده در دست حکومت می‌ماند. اما پرسش این است که چرا هزاره‌جات برای حکومت می‌تواند مهم باشد؟ جغرافیای هزاره‌جات عملاً آبروی حکومت بر ادعای اراضی است. هزاره‌جات بزرگ‌ترین سرمایه و دست‌مایه‌ی جغرافیایی حکومت به‌صورت یکپارچه از نظر وسعت است که می‌تواند در مذاکرات سیاسی دولت با طالبان نقش مهمی داشته باشد. مالدستان، جاغوری و ناور از این جهت مهم‌اند که به نوعی دهلیز هزاره‌جات محسوب می‌شوند. و خطر سقوط و تسلط طالبان بر آن‌ها یعنی خطر از دست‌رفتن یک جغرافیای یکپارچه و منسجم که در صورت سقوط آن ما با دولتی بدون بی‌جغرافیا مواجه خواهیم بود. بی‌جغرافیا بودن دولت این خطر را دارد که در مذاکرات سیاسی به‌دلیل نداشتن جغرافیای منسجم و یکپارچه، عملاً نتیجه مذاکرات به نفع طالبان تغییر کند.

حکومت صرفاً نمی‌تواند تنها بر شهرها حکومت کند و تسلط بر شهرها به معنای حاکمیت و دست‌بالا داشتن در مذاکرات سیاسی نیست. بنابراین جغرافیای هزاره‌جات، برگ برنده‌ی حکومت در گفت‌وگوهای صلح و مذاکرات سیاسی است. به همین دلیل ایجاب می‌کند حکومت برای حفظ بقای خود و همچنین حفظ جغرافیای خود در اقدامی فوری، وضعیت را به کنترل خود درآورد. بنابراین باید هرچه سریع‌تر به مالدستان قطعات خاص ارسال شود، حملات هوایی صورت بگیرد تا دوباره مالدستان پس گرفته شود. بازپس‌گیری مالدستان می‌تواند جبهه و نیروی طالبان را در دهلیز هزاره‌جات در نطفه خفه کند و انگیزه مضاعفی را به نیروهای امنیتی و نظامی کشور در یک سایر نقاط ببخشد. همچنین در یک اقدام استراتژیک، حکومت باید با تدابیر و چینش نظامی ویژه، هزاره‌جات را تبدیل به دژی استوار در مقابل حملات طالبان کند.

تغییر و تحولات در سطح رهبری برخی ولایات هزاره‌نشین (سپردن ولایت دایکندی به یک نظامی باتجربه و باامین به یک مدیر باتجربه) اقداماتی مفید در راستای حفظ جغرافیای هزاره‌جات است. اقداماتی که می‌تواند بقای حکومت را در این جغرافیا تضمین کند. تدبیر حکومت برای حفظ و بقای هزاره‌جات می‌تواند برای سراسر کشور، روحیه‌بخش باشد که در صورت پیروزی نیروهای نظامی می‌توان آن را سرآغازی برای شکست طالبان قلمداد نمود.



اطلاعات روز: ولسوالی مالدستان ولایت غزنی برای نخستین‌بار پس از سقوط حاکمیت طالبان در افغانستان دو روز پیش به دست جنگ‌جویان این گروه افتاد و طالبان کنترل ساختمان این ولسوالی را به‌دست گرفتند. جنگ‌جویان طالبان سه روز پیش از چندین مسیر از ولسوالی ارزگان خاص ولایت ارزگان بالای ولسوالی مالدستان حمله کرده و پس از دو شبانه روز درگیری‌های سبک و سنگین، نیروهای دولتی دو روز پیش ساختمان ولسوالی و منطقه را ترک کرده به سوی ولسوالی جاغوری عقب‌نشینی کردند. منابع محلی در مالدستان می‌گویند که طالبان حوالی ساعت ۲۰:۰۰ پس از چاشت روز دوشنبه به مرکز ولسوالی مالدستان رسیده و کنترل این ولسوالی را به‌دست گرفته‌اند. همزمان قاری یوسف احمدی، سخن‌گوی طالبان نیز اعلام کرده است که ولسوالی مالدستان در کنترل جنگ‌جویان طالب قرار دارد.

محمدعلی اخلاقی، عضو مجلس نمایندگان

و لطیفه اکبری، عضو شورای ولایتی غزنی نیز در گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات روز از سقوط ولسوالی مالدستان خبر داده و می‌گویند که کنترل ساختمان ولسوالی و فرماندهی پولیس پس از عقب‌نشینی نیروهای دولتی به‌دست طالبان افتاده است. آقای اخلاقی گفت که نیروهای امنیتی به‌شمول ولسوال و فرمانده پولیس مالدستان که از این ولسوالی به ولسوالی جاغوری عقب‌نشینی کرده بودند، دو روز پیش برای بیرون‌راندن طالبان از مالدستان دوباره اقدام کرده و پس از درگیری در منطقه‌ی مکنک دوباره به ولسوالی جاغوری عقب‌نشینی کرده‌اند.

براساس گفته‌های منابع محلی در مالدستان و برخی از اعضای مجلس نمایندگان، طالبانی که از سمت ولسوالی اجرستان وارد منطقه‌ی مکنک شده بودند، دو روز پیش یک پایه‌ی شبکه مخابراتی سلام را تخریب و سپس به سوی مرکز ولسوالی با خود برده‌اند.

## ولسوالی مالدستان برای نخستین‌بار پس از سقوط حاکمیت طالبان به کنترل این گروه درآمد

کمک فوری نیاز دارند. براساس اعلام این دفتر، نیروهای امنیتی و دفاعی این ولسوالی چندین روز است که به دست خالی در برابر «دشمن» مبارزه کرده‌اند.

ولسوالی مالدستان یکی از امن‌ترین ولسوالی‌ها در دو دهه‌ی اخیر در افغانستان بوده است. این ولسوالی از زمان سقوط حاکمیت طالبان برای نخستین‌بار دو سال پیش مورد حمله‌ی طالبان قرار گرفت اما طالبان با تحمل تلفات سنگین قادر به تصرف این ولسوالی نشدند. پس از آن در دو سال اخیر گهگاهی طالبان برای مردم این ولسوالی نامه‌های هشدارآمیز ارسال نموده و فردی را به‌حیث ولسوال نیز معرفی کرده بودند.

ولسوالی مالدستان از طرف شرق با ولسوالی ناور ولایت غزنی، از طرف شمال با ولسوالی اجرستان، از طرف جنوب با ولسوالی جاغوری و از طرف غرب با ولسوالی ارزگان‌خاص ولایت ارزگان هم‌مرز است. ولسوالی‌های اجرستان و ارزگان‌خاص در یک دهه‌ی اخیر نامن بوده است.

### فرمانده سنتکام: امریکا به حمایت خود از نیروهای امنیتی افغانستان ادامه می‌دهد

او تأکید کرده است که هیچ نیرویی نمی‌تواند اراده‌ی خود را به‌زور بر مردم افغانستان تحمیل کند و طالبان با درس‌گرفتن از تاریخ، باید از این فرصت برای رسیدن به صلح استفاده کنند. فرانک کنت مک‌کنزی دو روز پیش به‌عنوان فرمانده نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان به کارش آغاز کرد. او در مراسم عهده‌دارشدن فرماندهی نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان بر دوام حمایت‌های کشورش از نیروهای امنیتی و دفاعی افغان هم تأکید کرده بود.

ادامه‌ی این کمک‌ها به نیروهای امنیتی و دفاعی کشور ابراز امیدواری کرده که در فصل جدید روابط و همکاری‌ها میان دو کشور و تغییر در رهبری نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان، همکاری‌های مشترک میان قوای مسلح دو کشور تقویت و گسترش یابد. آقای عبدالله همچنین با فرمانده نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان از تحولات در روند صلح صحبت کرده و گفته است که مردم افغانستان خواهان برقراری صلح عادلانه و پایدار در کشور اند.

روابط خود به ادامه‌ی همکاری‌های مشترک با جمهوری اسلامی افغانستان، ارابه‌ی کمک و مشوره به نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان و حمایت از تلاش‌های مبارزه با دهشت‌افگنی ادامه می‌دهد.»

فرمانده سنتکام همچنین تأکید کرده است که قضیه‌ی افغانستان راه‌حل نظامی ندارد و یگانه راه‌حل مناسب برای آن، مذاکره و گفت‌وگو به‌جای جنگ و افزایش خشونت‌ها است.

عبدالله عبدالله هم با قدردانی از کمک‌های امریکا برای افغانستان و

اطلاعات روز: فرانک کنت مک‌کنزی، فرمانده نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان و ستاد فرماندهی مرکزی امریکا (سنتکام) می‌گوید که کشورش به حمایت خود از نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان ادامه می‌دهد.

شورای عالی مصالحه‌ی ملی با نشر خبرنامه‌ی گفته‌ی آقای مک‌کنزی این موضوع را دیروز (سه‌شنبه، ۲۲ سرطان) در دیدار با عبدالله عبدالله، رییس این شورا در کابل مطرح کرده است. به نقل از خبرنامه، او گفته است: «ایالات متحده‌ی امریکا در فصل جدید

### عبدالله به طالبان:

### با صلح گفتن تأمین نمی‌شود

کشور براساس رأی مردم افغانستان باشد. با این حال، او گفت که اگر جنگ بر مردم افغانستان تحمیل شود، دولت و ملت افغانستان باید از مردم دفاع کنند.

آقای عبدالله افزود که هم‌اکنون افغانستان با همین شرایط قرار دارد، ولی هنوز به نقطه‌ی آخر نرسیده است. او اما خاطرنشان کرد که این موضوع به این معنا نیست که مذاکره با گروه طالبان قطع شود.

رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی تأکید کرد: «معنا این است که ما متوجه وضعیت و اطراف خود باشیم. مذاکره را با تمام خلوص نیت پیش ببریم.»

آقای عبدالله همچنین گفت که دولت افغانستان هم‌اکنون هم آماده‌ی مذاکره با طالبان است.

از سویی هم، او افزود که در «روزهای نزدیک» قرار است نشست میان هیأت‌های جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان برگزار شود. به گفته‌ی آقای عبدالله، این نشست در یک سطح دیگر غیر از سطح هیأت‌های کنونی دو طرف برگزار می‌شود.

اطلاعات روز: همزمان با تشدید حملات گروه طالبان در کشور، عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی می‌گوید که صلح «تنها با گفتن» تأمین نمی‌شود و باید طرف‌ها به‌گونه‌ی عملی اقدام کنند.

آقای عبدالله که دیروز (سه‌شنبه، ۲۲ سرطان) در نشست کمیته‌ی زنان شورای عالی مصالحه‌ی ملی در کابل صحبت می‌کرد، گفت که جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان باید اقداماتی را روی‌دست گیرند که دو طرف را برای رسیدن به صلح کمک کند. رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی افزود که در مذاکره هم «جو‌آمد» است: «در بین صددرصد خواست تو (طالبان) هم [پذیرفته] نمی‌شود و صددرصد خواست ما [دولت افغانستان] هم.»

او گفت که دو طرف باید از این مرحله در روند صلح عبور و روی‌گام‌های بعدی آن باهم به نتیجه برسند. عبدالله عبدالله اما تأکید کرد که قدم آخری باید تعیین زعامت



کشور و نمایندگان اقوام مختلف کشور نیز شاملند.

در همین حال، شماری از رسانه‌ها به نقل از منابع‌شان گزارش کرده‌اند که عبدالله قرار است روز جمعه هفته‌ی جاری برای دیدار مستقیم با طالبان به دوحه برود.

این درحالی است که اخیراً جنگ‌جویان طالبان به حملات‌شان در کشور شدت بخشیده‌اند. این گروه در حدود دو ماه گذشته، بیش از ۱۰۰ ولسوالی را سقوط داده‌اند. افزون بر این‌ها، تعدادی از مناطق نیز به‌دست طالبان سقوط کرده است.

او تأکید کرد که هیأت دولت افغانستان آمادگی برای اشتراک در این نشست را دارد و به نیت ختم جنگ در کشور در آن شرکت می‌کند.

عبدالله عبدالله جزئیاتی بیشتری در این مورد ارائه نکرد.

اما یک منبع در شورای عالی مصالحه‌ی ملی به روزنامه اطلاعات روز گفت که آقای عبدالله قرار است در روزهای آینده در رأس هیأتی برای گفت‌وگو با طالبان به دوحه برود. این منبع گفت که در ترکیب این هیأت، حامد کرزی، رییس‌جمهور پیشین

تمامی نیروهای خارجی از افغانستان فیصله شده بود.

به نقل از اعلامیه، مردم افغانستان روابط تاریخی، فرهنگی و مذهبی با ترکیه دارند، اما ادامه‌ی «اشغال» سبب می‌شود که نفرت و احساس دشمنی را در افغانستان علیه مقام‌های ترکیه برانگیزد و به روابط دوجانبه نیز آسیب بزند.

طالبان در این اعلامیه ضمن این که از مقام‌های ترکیه خواسته‌اند از این تصمیم‌شان منصرف شوند، همچنین گفته است که حضور نیروهای خارجی

### واکنش طالبان به ادامه‌ی حضور نیروهای ترکیه در افغانستان: دوام اشغال است و در برابر آن می‌ایستیم

اردوغان، رییس‌جمهور ترکیه در ۱۸ سرطان رسماً تأیید کرده بود که درباره‌ی چگونگی مسئولیت ترکیه در افغانستان و این که ترکیه کدام مأموریت را می‌تواند بپذیرد، تصمیم‌گیری کرده‌اند.

هرچند آقای اردوغان جزئیات بیشتری در این مورد ارائه نکرده بود، اما براساس گزارش‌ها، قرار است مسئولیت تأمین امنیت میدان هوایی بین‌المللی حامد کرزی در کابل به نیروهای ترک واگذار شود. گفت‌وگو میان امریکا و ترکیه در این مورد از چند مدت به این طرف ادامه داشته است.

در افغانستان از هر کشور و به هر نامی که باشد، «اشغال» است و در برابر آن ایستادگی می‌شود.

طبق اعلامیه‌ی طالبان، این گروه از چند مدت به این طرف با مقام‌های ترکی در تماس بوده نشست‌هایی نیز بین دو طرف صورت گرفته است. طالبان گفته‌اند که مقام‌های ترکی اطمینان داده بودند که بدون رضایت این گروه تصمیمی نمی‌گیرد، اما خلاف تعهد، به ادامه‌ی حضور در افغانستان فیصله کرده است.

این درحالی است که رجب طیب

## قوای هوایی افغانستان چقدر قابل اتکا است؟



پاول مک‌لیری، پولیتیکو مترجم: جلیل پژواک

شکست دادن طالبانی که تجدیدقوا کرده‌اند به خودی خود دشوار است. اما اگر هلیکوپتری که علیه طالبان به پرواز درمی‌آید، قرار باشد در صورت نقص فنی از راه دور و از طریق دوربین «زوم» ترمیم شود، پیروزی احتمالاً دشوارتر می‌شود.

طی هفته‌های اخیر پنتاگون علاوه بر اینکه نیروهای ارتش را به جز تعدادی معدود از افغانستان بیرون کشیده است، اکثر پیمان‌کاران نظامی را نیز از کشور خارج کرده است. گروهی چند صد نفری که باقی مانده‌اند، قرار است همه‌ی آن کارهایی را که افغان‌ها نمی‌توانند انجام دهند، از جمله تعمیر جنگنده‌ها و هلیکوپترهای قوای هوایی افغانستان و همچنین مسائل لجستیکی قوای هوایی، انجام دهند.

مقامات پنتاگون می‌گویند که با ادامه روند خروج، بیشتر کارهای تعمیراتی در قوای هوایی افغانستان توسط خود خدمه افغان انجام می‌شود و پیمان‌کاران امریکایی از طریق زوم از راه دور آن‌ها را راهنمایی خواهند کرد.

معلوم نیست که آیا این رویکرد در عمل مؤثر واقع خواهد شد یا خیر. اما کاهش تعداد پیمان‌کاران نظامی از بیش از ۱۶ هزار پیمان‌کار به چند صد نفر، می‌تواند تأثیری به مراتب بیشتر نسبت به بازگشت ۲۵۰۰ سرباز امریکایی به خانه داشته باشد. زیرا در نبود این پیمان‌کاران قوای هوایی افغانستان برای فعال نگهداشتن جنگنده‌ها و هلی‌کوپترهای خود در آسمان برای شکار جنگ‌جویان طالبان با مشکل روبرو است.

«لیزا کورتیس» مدیر سابق شورای امنیت ملی برای جنوب آسیا و آسیای میانه که حالا مدیر برنامه امنیتی هند و اقیانوسیه در «مرکز امنیت جدید امریکا» است، می‌گوید: «وظیفه دولت بایدن است که برای ادامه پشتیبانی خود از قوای هوایی افغانستان هرآنچه را در توان دارد انجام دهد. ما نه تنها نیروهای خود را از افغانستان خارج می‌کنیم، بلکه آبا خارج کردن پیمان‌کاران [توانایی نیروهای افغان را برای حفظ ظرفیت‌هاشان تضعیف می‌کنیم.»

ناوگان قوای هوایی کوچک اما فعال کابل که متشکل از ۱۶۲ جنگنده و هلی‌کوپتر است، بدون کمک نیروهای امریکایی و در نبود امکانات و تخصص لازم برای انجام تعمیرات در ساحه، وظیفه حیاتی پشتیبانی از ده‌ها هزار سرباز افغانستان را از طریق حملات هوایی، تأمین پوسته‌های دوردست و انتقال مجروحان برعهده گرفته است. علاوه بر این، میلیاردها دلار پول نقد امریکا و ده‌ها هلیکوپتر جدید به کشور سرازیر خواهد شد.

جنگنده‌ها و هلی‌کوپترهای قوای هوایی افغانستان، درحالی‌که نیروهای دولتی مدام قلمرو خود را در حومه شهرها از دست می‌دهند، روزنه امید کابل در برابر طالبان است. «جان کیری» پنتاگون روز جمعه به سی‌ان‌ان گفت: «آن‌ها [حکومت افغانستان] ظرفیت دارند. توانایی دارند. یک قوای هوایی دارند. قوای هوایی که ما به تأمین و حمایت از آن ادامه می‌دهیم. آن‌ها تسلیحات مدرن دارند. آن‌ها طی ۲۰ سال گذشته آموزش دیده‌اند و توانایی حضور در میدان را با نیروهای امریکایی پیدا کرده‌اند.»

طی یک دهه گذشته ایالات متحده قوای هوایی افغانستان را براساس ترجیحات و نقاط قوت و ضعف خودش ساخت. ایالات متحده ۸ میلیارد دلار را صرف جنگنده‌های ضربتی مانند «ای-۲۹ سوپر تونانو» و «ای-سی-۲۰۸ کامبت کاروان» کرده است. این دو مدل جنگنده توانایی شلیک مهمات هدایت‌شده با لیزر را دارا است. ایالات متحده همچنین هلی‌کوپترهای جدید بلک هاک را در اختیار قوای هوایی افغانستان گذاشته است.

ایالات متحده پس از آن‌که در سال ۲۰۱۴ اعلام کرد به‌عنوان بخشی از تحریم‌های واشنگتن علیه مسکو، عرضه هلی‌کوپترهای «ام‌آی-۱۷» ساخت روسیه را به کابل متوقف می‌کند، تصمیم گرفت بلک هاک را در اختیار قوای هوایی افغانستان بگذارد. هلیکوپترهای ام‌آی-۱۷ نسخه‌ای از هلی‌کوپترهای قدیمی شوروی است که قوای هوایی افغانستان تجربه دهه‌ها پرواز با آن و حفظ و مراقبت آن‌را دارا بودند. اما پنتاگون بدون در نظر داشت این مسئله تصمیم گرفت هلی‌کوپترهای روسی را با ۵۳ فروند «بلک هاک بوچ-۶۰» جایگزین کند. بلک هاک ساخت امریکا است و حفظ و مراقبت از آن برای افغان‌ها، دشوارتر است و به اندازه هلی‌کوپترهای روسی توانایی پرواز در ارتفاعات بلند را ندارد.

همچنین، پرواز با بلک هاک مستلزم ظرفیت لجستیکی بالا است و علاوه بر این، پیچیدگی حفظ و مراقبت از آن مسأله‌ای است که خدمه قوای هوایی افغانستان نمی‌توانند تنهایی از عهده آن برآیند. اینجاست که رفتن پیمان‌کاران نظامی از افغانستان، شدیدترین ضربه را به ارتش افغانستان وارد خواهد کرد.

با این‌حال، داشتن هلی‌کوپتر بیشتر به فرماندهان قوای هوایی افغانستان امکان می‌دهد که از هلی‌کوپترهای موجود خود کمتر استفاده کنند و هلی‌کوپترهای کهنه را کمتر تحت فشار بگذارند و به این ترتیب این هلی‌کوپترها کمتر به حفظ و مراقبت نیاز پیدا کنند. همچنین، افزایش تعداد هلی‌کوپتر، قوای هوایی افغانستان را امکان می‌دهد مأموریت‌های پشت سرهم بیشتر را اجرا کنند.

«جان‌اتان شروندن»، مدیر برنامه مقابله با

تهیدها و چالش‌ها در مرکز CNA می‌گوید که قوای هوایی افغانستان عادت بدی دارد و آن این است که برای ارائه پشتیبانی هوایی به ارتش و پولیس، از هلی‌کوپترها بیش از حد کار می‌کشد و کار حفظ و نگهداری این هلی‌کوپترها به موقع انجام نمی‌شود.

او می‌گوید که داشتن هلی‌کوپتر بیشتر «باید آن‌ها را قادر سازد تا هلی‌کوپترها را به موقع تعمیر کنند و هنوز بتوانند پشتیبانی حداکثری خود را برای ارتش و پولیس ارائه کنند.» حمایت قوای هوایی افغانستان درحالی‌که ارتش با حملات تهاجمی متعدد طالبان در سراسر کشور روبروست، حیاتی دانسته می‌شود.

کمیود پرسنل قوای هوایی افغانستان نیز یک مشکل است. گزارش ماه اپریل بازرس کل وزارت دفاع ایالات متحده می‌گوید که «بیشتر جنگنده‌های قوای هوایی افغانستان دارای پرسنل واجد شرایط (مانند سرخلبان، کمک خلبان، اپراتور سیستم مأموریت و غیره) به اندازه کافی و به تعدادی که هر جنگنده به آن نیاز دارد، نیست.»

حالا با رفتن پیمان‌کاران خارجی، برنامه‌ریزان دفاعی ایالات متحده چشم امید خود را به فناوری کار از راه دور بسته‌اند. یعنی استفاده از تعمیرکاران خارجی و امریکایی و وصل کردن آنان با قوای هوایی افغانستان از طریق تماس ویدیویی برای تعمیر و مراقبت از هلی‌کوپترهای افغانستان. طبق این برنامه، جنگنده‌هایی که به

شکست دادن طالبانی که تجدیدقوا کرده‌اند به خودی خود کاری دشوار است. اما اگر هلیکوپتری که علیه طالبان به پرواز درمی‌آید، قرار باشد در صورت نقص فنی از راه دور و از طریق دوربین «زوم» ترمیم شود، پیروزی احتمالاً دشوارتر می‌شود.

تعمیرات اساسی نیاز پیدا کنند، به مراکز در خارج از افغانستان منتقل خواهد شد. جگرن «راب لودویک»، سخنگوی پنتاگون می‌گوید: «تکای بیشتر بر تعمیرکاران نظامی افغانستان برای انجام کار حفظ و مراقبت از هواپیماها در پایگاه‌های نظامی و آموزش در محل کار، بر آمادگی و توانایی ناوگان هوایی افغانستان تأثیر خواهد گذاشت.» اما هنوز معلوم نیست که این تأثیر چه وقت در عملکرد قوایی هوایی افغانستان حس خواهد شد.

ایالات متحده برای کمک به قوای هوایی افغانستان و جبران خسارتی که این قوا به موجب از دست دادن هلی‌کوپترهای خود در اثر از کار افتادگی یا سقوط متحمل شده‌اند، طی ماه‌های آینده ۳۷ فروند بلک هاک بوچ-۶۰ به افغانستان می‌فرستد تا در انبار باشد و فقط در صورت نیاز از آن استفاده شود. همچنین، در صورتی که امکان ارسال سریع قطعات یدکی به افغانستان نبود، از قطعات این بلک هاک‌ها استفاده خواهد شد.

اما مشکلات فزاینده قوای هوایی افغانستان به این سادگی حل نمی‌شود. در ماه جنوری، فرماندهی ناتو برای آموزش و مشوره‌دهی قوای هوایی افغانستان در کابل به بازرس کل پنتاگون گفت که بدون ادامه پشتیبانی فنی پیمان‌کاران، بالگردهای قوای هوایی افغانستان «پس از چند ماه دیگر نمی‌تواند در مأموریت‌های رزمی کارایی داشته باشد.»

جنگنده‌های ای-۲۹ و ای-سی-۲۰۸ مؤلفه‌های کلیدی هرگونه موفقیت قوای هوایی افغانستان در ضربه‌زدن به طالبان از هوا خواهد بود، اما همچون سایر سرویس‌های قوای هوایی افغانستان، خلبان و خدمه حفظ و مراقبت برای این جنگنده‌ها محدود است و بعید می‌نماید که در آینده نزدیک قوای هوایی افغانستان از پرسنل کافی برخوردار شود. برنامه امریکا برای آموزش خلبانان ای-۲۹ در ایالات متحده در نوامبر ۲۰۲۰ پایان یافت و بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ فقط ۳۰ خلبان آموزش دیدند. آنچه به نظر یک کارزار هدفمند و هماهنگ طالبان برای ترور خلبانان افغانستان می‌رسد، بر مشکلات فزاینده قوای هوایی افغانستان افزوده است. روز جمعه رویترز گزارش داد که

طی هفته‌های گذشته دست‌کم هفت خلبان در خارج از پایگاه‌هاشان ترور شده‌اند و این ضایعات بر فشارها بر خلبانان واجد شرایط اما ناکافی قوای هوایی افغانستان افزوده است.

برپایه گزارش سیگار، تا ماه اپریل امسال بیش از ۱۶ هزار پیمان‌کار پنتاگون در افغانستان مشغول کار بودند و از این میان بیش از ۶۱۰۰ تن آن‌ها شهروند ایالات متحده بودند. یک مقام پنتاگون تأیید کرده است که این ۱۶ هزار اکنون به چند صد نفر کاهش یافته است. پولیتیکو از دو بزرگ‌ترین شرکت پیمان‌کار امریکایی در افغانستان یعنی Leidos Holdings و DynCorp International خواستار اظهارنظر در این زمینه شد. لیدوس پرسش‌های ما را به پنتاگون ارجاع داد و دین کرب هیچ پاسخی نداد.

در ماه می رؤسای سه گروه تجاری که از صنعت پیمان‌کاری حکومت ایالات متحده نمایندگی می‌کنند در نامه‌ای به لوید آستین، وزیر دفاع، آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه و سامانتا پاور، مدیر اداره توسعه بین‌المللی امریکا خواستار وضاحت درباره این شدند که پرسنل آن‌ها در کجا و چگونه به همکاری خود با ارتش و حکومت افغانستان ادامه خواهند داد. به گفته مقامات «شورای خدمات حرفه‌ای» ایالات متحده، هیچ‌یک از مقامات دولتی به این نامه پاسخ ندادند.

منخص نیست که ارتش ایالات متحده در ماه‌های پیش‌رو چه نقشی را ایفا خواهد کرد، اما جو بایدن متعهد شده است که حمایت مالی ایالات متحده از ارتش افغانستان ادامه می‌یابد. در روز پنجشنبه پنتاگون پیشنهاد کرد که امکان دارد برخی حمایت‌های استخباراتی و اکتشافی خود را از ارتش افغانستان نیز ادامه دهد.

کیربی روز پنجشنبه گفت: «به نظرم شما می‌توانید انتظار این را داشته باشید که ما قصد داریم طیف وسیعی از قابلیت‌های [اطلاعاتی و اکتشافی] که در اختیار داریم را [در حمایت از ارتش افغانستان] استفاده کنیم. ما همچنین قصد داریم که از روابط محکم خود با نیروهای افغانستان که همچنان در ساحه حاضر دارند و همچنان اطلاعاتی دارند که می‌توانند به ما ارائه دهند، استفاده کنیم.» این سخنان به نحوی نشان می‌دهد که ایالات متحده ممکن است از حملات هوایی برای کمک به نیروهای افغانستان در ساحه استفاده کند.

حکومت بایدن در سند بودجه سال ۲۰۲۲ خود خواستار ۳٫۳ میلیارد دلار برای حمایت از ارتش افغانستان شده است؛ هزینه‌ای که واشنگتن تا زمانی که حکومت کابل برای بقای خود می‌جنگد، مجبور است متحمل شود.

اما در سال‌های آینده، ادامه این حمایت ممکن است دشوار شود. هم به دلیل اولویت‌های داخلی ایالات متحده و هم به دلیل فساد گسترده و مستند شده مقامات حکومت افغانستان که بخشی از پول‌های کمکی را به جیب می‌زنند.

لیزا کورتیس می‌گوید: «بزرگ‌ترین چالش، تقاضای کنگره برای پاسخ‌گویی و نظارت بر این کمک‌ها است. با کاهش حضور ما در افغانستان و کاهش منابع ما در این کشور [برای پاسخ‌گو نگه داشتن حکومت افغانستان و نظارت بر مصرف پول کمکی] و داشتن کنگره به تصویب بودجه کمکی به افغانستان، به دلیل فساد گسترده در کابل، دشوار و دشوارتر خواهد شد.»

### خبر داخلی

### کرزی به حکومت و طالبان:

## صلح کنید و کشور را از حالت کنونی نجات دهید

کرد. او اما گفت که زعامت کشور و تعیین حکومت به دست افراد نیست و به اراده‌ی ملت افغانستان تعلق دارد. کرزی گفت هر حکومتی که از طریق تمثیل اراده‌ی ملت ایجاد شود، هر کسی آن را قبول خواهد کرد.

رئیس‌جمهور پیشین افغانستان در جریان صحبت‌هایش از جوانان خواست که کشورشان را ترک نکنند و روزی خواهد رسید که یک زن رئیس‌جمهور افغانستان شود: «در خاک خود بمانید و به کشور خود خدمت کنید.»

حامد کرزی گفت که کشورهای خارجی می‌خواهند از تعلیم و انرژی جوانان افغانستان برای ساختن خاک‌شان استفاده کنند. کرزی گفت که جوانان باید به کشور خودشان اعتماد کنند. به گفته‌ی او، به‌زودی صلح می‌آید و نظام جمهوری باقی خواهد ماند.

مردم افغانستان تعلق دارد.

کرزی گفت: «ما به زحمت بسیار زیاد یک اردوی ملی ساختیم، پولیس ملی به خاک خود ساختیم، نظامی را از هیچ ایجاد کردیم ۲۰ سال پیش. ما باید به هر عنوانی که می‌شود، نهادهای دولتی خود را حفظ کنیم و زودتر به سوی صلح برویم.»

او ابراز امیدواری کرد که امریکا برای اثبات دوستی خود با افغانستان که از اهداف آمدن آن کشور در افغانستان بود، تلاش کند تا از این طریق صلح در افغانستان برقرار و حاکمیت ملی اعاده شود و مردم افغانستان نیز عزت‌مند زندگی کنند.

حامد کرزی علاوه کرد که اگر صلح شود و طالبان بیایند، با این گروه همکاری می‌کند و یکجا کشور را آباد خواهند

و این‌که آگاه باشیم از اهمیت خود، از خاک خود و از ارزش خاک خود. این‌که هیچ بیگانه‌ای ما را زیر پای کرده نمی‌تواند مگر این که خود ما وسیله شویم.»

رئیس‌جمهور پیشین کشور در جریان صحبت‌هایش گفت که جنگ در افغانستان جنگ بیگانه است و صلح، برادری، هم‌وطنی و آگاهی راه نجات از این جنگ است. او افزود: «به صلح می‌رسیم. ان‌شالله شما به‌زودی آغاز دوباره‌ی مذاکرات بسیار جدی صلح را شاهد می‌باشید، حوصله کنید، تدبیر کنید و به طرف صلح بروید.»

حامد کرزی از گروه طالبان خواست که سرک، پل، پلچک و نهادهای دولتی را که به‌گفته‌ی او، در ۲۰ سال ساخته شده است، خراب نکند. او تأکید کرد که این تأسیسات و نهادهای هیچ کشور خارجی نیست، بلکه به

عبدالحمید امیری

وزارت آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد مدیریتی در عرصه‌ی آموزش، در بسیاری از کشورها، بستر ساز شکوفایی علمی و معنوی بوده و نقش مهمی در توسعه انسانی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ایفا می‌کند. در واقع وزارت آموزش و پرورش یکی از مؤثرترین و مهم‌ترین نهادهای است که به ارتقای برابری و فرصت برخورداری از زندگی بهتر همه‌ی افراد کمک می‌کند. اما وزارت معارف کشور ما به دلیل برخی چالش‌ها و کژکارکردها از رسالت اصلی‌اش که یکی از آن‌ها عدالت آموزشی، حق دسترسی همه‌ی افراد به صورت برابر به امکانات، خدمات و فرصت آموزشی می‌باشد، دور افتاده است.

امروزه دانش‌آموزان بسیاری در مکاتب دولتی شهری و روستایی کشور تحصیل می‌کنند. اما پرسشی که مطرح می‌شود، این است: آیا همه‌ی آن‌ها به طور یکسان و برابر از امکانات، خدمات و کیفیت آموزشی برخوردارند؟ در واقع پاسخ منفی است. بنابراین، نوشته حاضر برای تأیید فرضیه‌اش به صورت موردی وضعیت برخی از مکاتب دولتی غرب کابل را مورد بررسی قرار داده است. در واقع گزارش‌هایی که از سوی برخی رسانه‌ها در خصوص وضعیت بعضی مکاتب دولتی غرب کابل نشر شده‌اند، مؤید فرضیه‌ی نوشته‌اند. چنانچه در گزارش روزنامه اطلاعات روز آمده است: «شماره‌ی از دانش‌آموزان یک مکتب اقبیض محمد کاتب<sup>۱</sup> در غرب شهر کابل نسبت به کمبود آموزگار و کتاب درسی دست به اعتراض زده‌اند. دانش‌آموزانی که صبح امروز (سه‌شنبه، ۳۱ / حمل / ۱۴۰۰) در لیسه فیض محمد کاتب در شهرک اتفاق دشت برچی اعتراض کرده‌اند، می‌گویند که از آغاز سال جدید آموزشی تاکنون کمبود آموزگار و کتاب درسی‌شان رفع نشده است.» روزنامه‌ی صبح کابل در مورد این اعتراض نوشته است: «کاظم تابش، سر معلم مکتب فیض محمد کاتب، به روزنامه‌ی صبح کابل می‌گوید که این مکتب ۱۶ آموزگار رسمی و نزدیک به ۹ هزار دانش‌آموز دارد و هر ساله با جذب ده‌ها آموزگار حق‌الزحمه، این مشکل را حل می‌کرد؛ اما در سال روان، به دلیل این که جذب آموزگار حق‌الزحمه از سوی وزارت معارف تأیید نشده، دانش‌آموزان با مشکل کمبود آموزگار و کتاب درسی مواجه شده‌اند.» همچنین این روزنامه خاطر نشان کرده است: «اعتراض کنندگان می‌گویند که این مکتب با کمبود ۱۸۸ آموزگار روبه‌رو است.» همچنین در ادامه‌ی گزارش روزنامه‌ی صبح کابل نیز آمده است: «روز (دوشنبه، ۳۰ / حمل / ۱۴۰۰) نیز شماری از دانش‌آموزان مکتب سیدالشهدا در منطقه‌ی چهل دختران ناحیه‌ی سیزدهم، با حمل شعارهای «ما معلم می‌خواهیم، معارف با کیفیت، آینده‌ی درخشان، لطفاً با سرنوشت ما بازی نکنید، تحصیل بدون تبعیض می‌خواهیم» دست به اعتراض زده بودند. آن‌ها نیز از کمبود آموزگار و کتاب درسی شکایت داشتند.» روزنامه اطلاعات روز در ادامه‌ی گزارش خود نیز خاطر نشان کرده است: «کمبود آموزگار یکی از چالش‌های اساسی معارف افغانستان است. بر اساس آمار رسمی به‌گونه‌ی نمونه در ناحیه‌ی سیزدهم

شهر کابل یک‌هزار و ۳۰۰ آموزگار کمبود اند.» همچنین این روزنامه نوشته است: «در این ناحیه اکنون یک‌هزار و ۴۸۳ آموزگار مصروف آموزش و پرورش‌اند. این آمار نشان می‌دهد که نزدیک به ۵۰ درصد از آموزگاران مورد نیاز این ناحیه استخدام نشده‌اند.» به‌رغم این که برخی رسانه‌ها مسأله‌ی کمبود آموزگار در مکاتب دولتی غرب کابل را گزارش داده‌اند و این مسأله برای وزارت معارف نیز کاملاً روشن است. اما این وزارت در پی این اعتراض‌ها، صرف یک بست آموزگاری را برای حوزه‌ی سیزدهم تعلیمی، بخش پسرانه مکتب شهرک صفا در نظر گرفته است. طوری که اشاره شد، حدود یک‌هزار و ۳۰۰ آموزگار در این ناحیه کمبود اند و نزدیک به ۵۰ درصد از آموزگاران مورد نیاز این ناحیه استخدام نشده‌اند. با توجه به میزان کمبود آموزگار در حوزه‌ی سیزدهم تعلیمی و اختصاص صرف یک بست آموزگاری، فقدان عدالت آموزشی و بی‌توجهی وزارت معارف در خصوص غرب کابل، به‌خوبی روشن می‌شود. با حمله‌ی تروریستی که بر مکتب سیدالشهدا در غرب کابل رخ داد، افزون‌بر، اعتراضات مردم در خصوص تأمین امنیت غرب کابل، مسأله‌ی کمبود آموزگار نیز به‌عنوان یکی از مطالبات اصلی آن‌ها در فضای مجازی بازتاب داده شد. زیرا بر مکتبی که حمله‌ی تروریستی انجام شد، براساس گزارش‌ها، این مکتب با کمبود ۱۲۵ آموزگار در بخش دخترانه و ۵۵ آموزگار در بخش پسرانه روبه‌رو بوده است. به‌رغم جنبه‌ی عاطفی ناشی از تلفات حمله‌ی تروریستی که دانش‌آموزان دختر این مکتب را نشانه رفت، برخی از شنیدن این میزان کمبود آموزگار در یک مکتب آن هم در پایتخت کشور، شوکه شدند. به‌باور نویسنده، این میزان کمبود آموزگار در یک مکتب، در ادامه‌ی رویدادهای تروریستی، خود نیز فاجعه است. فاجعه‌ای که پیامد آن به حاشیه راندن و محروم نگه‌داشتن مردم این منطقه است. اگرچه سیاست حذف و محروم‌سازی برخی گروه‌های قومی نزدیک به سه‌صد سال است که در کشور جریان دارد. اما اکنون این سیاست به‌گونه‌ای از سوی وزارت معارف نیز تطبیق می‌شود. با توجه به سیاستی که وزارت معارف در پیش گرفته و به آن اشاره شد، می‌توان گفت که امکانات و خدمات آموزشی در کشور با مسأله‌ی قومیت و محل سکونت افراد گره خورده است. طوری که اغلب زندگی اجتماعی افراد نیز چه در شهرها و چه در روستاها با توجه به قومیت آن‌ها ساخت یافته است. بنابراین، در گام نخست تلاش این نوشته بر این بوده است که مسأله‌ی «سیاست‌گذاری وزارت معارف در خصوص غرب کابل؛ با تأکید بر فقدان عدالت آموزشی» به‌ویژه حوزه‌ی سیزدهم تعلیمی که گروه قومی خاص (هزاره) را در خود جا داده با تکیه بر داده‌های آماری قابل توجه؛ تعداد مکاتب دولتی دارای ساختمان مناسب جهت آموزش، تعداد آموزگاران موجود و تعداد کمبود آموزگار را با توجه به میزان دانش‌آموزانی که در این حوزه وجود دارند، همچنین امکانات و خدماتی که از سوی وزارت معارف برای این منطقه اختصاص یافته، در مقایسه با کل شهر کابل تحلیل و

## سیاست‌گذاری وزارت معارف در خصوص غرب کابل؛ با تأکید بر فقدان عدالت آموزشی



در مکتب سیدالشهدا شمار دانش‌آموزان دختر ۷۵۰ نفر، آموزگاران موجود در بخش دخترانه ۴۴ نفر، کمبود آموزگار در بخش دخترانه ۱۲۵ نفر، دانش‌آموزان پسر ۷۲۰۰ نفر، آموزگاران موجود در بخش پسرانه ۸۸ نفر، کمبود آموزگار در بخش پسرانه ۵۵ نفر و کمبود آموزگار در هر دو بخش؛ پسرانه و دخترانه ۱۸۰ نفر گفته شده است. با توجه به آمارهای مزبور، در این مکتب شاخص نسبت دانش‌آموز به آموزگار در بخش دخترانه «۱۷۰ به یک» و در بخش پسرانه «۸۱ به یک» و به‌صورت کلی در هر دو بخش «۱۱۱ به یک» سنجش شده است. این به این معناست که به‌صورت کلی در ازای هر ۱۱۱ دانش‌آموز صرف یک آموزگار وجود دارد. در مکتب فیض محمد کاتب شمار دانش‌آموزان دختر ۴۸۰۰ نفر، دانش‌آموزان پسر ۴۲۰۰ نفر، آموزگاران موجود در هر دو بخش؛ پسرانه و دخترانه ۱۶ نفر و کمبود آموزگار در هر دو بخش ۱۸۸ نفر گفته شده است. با توجه به آمارهای مزبور، در این مکتب شاخص نسبت دانش‌آموز به آموزگار در هر دو بخش «۵۶۲ به یک» سنجش شده است. این به این معناست که در ازای هر ۵۶۲ دانش‌آموز یک آموزگار وجود دارد. در مکتب آسیابینی شمار دانش‌آموزان دختر ۱۶۹۰ نفر، دانش‌آموزان پسر ۱۷۹۰ نفر، آموزگاران موجود در هر دو بخش؛ پسرانه و دخترانه ۳۲ نفر و کمبود آموزگار در هر دو بخش ۵۲ نفر گفته شده است. با توجه به آمارهای مزبور، در این مکتب شاخص نسبت دانش‌آموز به آموزگار در هر دو بخش «۱۰۸ به یک» سنجش شده است. این به این معناست که در ازای هر ۱۰۸ دانش‌آموز یک آموزگار وجود دارد. در مکتب شهرک صفا شمار دانش‌آموزان

در این بخش بر مبنای آمارهای گردآوری شده از پنج مکتب حوزه‌ی سیزدهم تعلیمی و آمار کلی تعداد دانش‌آموزان و آموزگاران شهر کابل که در «سال‌نامه‌ی احصائیوی معارف سال ۱۳۹۷» مشخص شده است، تحلیل مقایسه‌ای شاخص نسبت دانش‌آموز به آموزگار بین حوزه‌ی سیزدهم تعلیمی و کل شهر کابل، انجام می‌شود که این شاخص یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی است که روی کیفیت آموزش تأثیر دارد. شاخص نسبت دانش‌آموز به آموزگار به این معناست که کاهش شمار دانش‌آموزان در یک کلاس به پیش‌رفت تحصیلی آن‌ها می‌انجامد. به بیان دیگر، دانش‌آموزان کلاس‌های کم‌دانش‌آموز عملکرد تحصیلی بهتری دارند و تراکم دانش‌آموزان در یک کلاس یکی از چالش‌های آموزشی به حساب می‌آید. مطالعه‌ی تسنی نیز نشان می‌دهد: «دانش‌آموزان کلاس‌های کم‌دانش‌آموز نمره‌ی بیشتری می‌گیرند و میزان فارغ‌التحصیلی آن‌ها از دبیرستان‌ها و احتمال قبول‌شدنشان در دانشگاه‌ها بالاتر است.» (ایتزن، باکازین و اسمیت، ۱۳۹۶: ۲۷۱).

در یک نگاه کلی شاخص نسبت دانش‌آموز به آموزگار در کشورهای توسعه‌یافته پایین‌تر از «۲۰ به یک» گزارش شده است. اما در افغانستان بر اساس «سال‌نامه‌ی احصائیوی معارف سال ۱۳۹۷» به‌صورت کلی این رقم «۴۲،۱ به یک» و در شهر کابل «۳۳،۵ به یک» گزارش شده است (وزارت معارف، ۱۳۹۷: ۶۰). از سال ۱۳۹۷ بدین سو در این مورد گزارشی نشر نشده است. اکنون در این بخش شاخص نسبت دانش‌آموز به آموزگار بر مبنای آمارهای گردآوری شده در پنج مکتب دولتی واقع حوزه‌ی سیزدهم تعلیمی سنجش می‌شود.

تبیین کند و سرانجام با استناد به داده‌های معتبر، سیاست‌گذاری وزارت معارف را در خصوص غرب کابل روشن سازد. در گام دوم به دلیل این‌که نویسنده بیرون از افغانستان به‌سر می‌برد با این هم‌تلاش بر این بوده است که آمارهای مورد ضرورت نوشته را به‌صورت مجموعی از مرکز آمار وزارت معارف به‌دست آورد، اما این وزارت به دلیل این که سیاست‌گذاری غیرعادلانه‌اش به‌گونه‌ای پوشیده بماند، حق دسترسی به اطلاعات را نیز محدود کرده و آمارهای مورد نیاز تحقیق را در اختیار محقق قرار نداده و به‌نحوی تعلل ورزیده است. در صورتی که اصولاً این اطلاعات به‌صورت دقیق باید در سایت وزارت معارف قرار گیرد تا محققان بتوانند برای انجام پژوهش به‌راحتی به آن دسترسی داشته باشند. در گام سوم نگارنده تلاش بر این بوده است که دست‌کم بخشی از آمار را از آمريت حوزه‌ی سیزدهم تعلیمی به‌دست آورد، اما از آن‌جایی که آمارها به‌صورت دقیق با شاخصی؛ تعداد آموزگاران موجود در بخش پسرانه و دخترانه، تعداد کمبود آموزگار در بخش پسرانه و دخترانه و تعداد دانش‌آموزان پسر و دختر درخواست شده بود، مسئول این بخش گفته است: «ما آماری دقیق با چنین ویژگی‌ها در اختیار نداریم. بنا به همین دلیل ما نمی‌توانیم آمار دست‌داشته‌ی خود را در اختیار شما قرار دهیم.» با توجه به محدودیت‌هایی که ذکر گردید، نویسنده برای تحلیل و تبیین بهتر تحقیق به داده‌هایی که در ابتدای تحقیق مدنظر داشته متأسفانه به آن دست‌نیافته است. اما به‌رغم این محدودیت‌ها، نویسنده به آمارهای پنج مکتب واقع در همین ناحیه دست‌یافته که این آمارها از سوی مدیران مکاتب در اختیارش قرار داده شده است.

## هر فرد یک رسانه نشویم!

سخنچیداد هاتف

بعضی از سخنان به آدم احساس خوبی می‌دهند و به همین خاطر جذابیتی فوق‌العاده می‌یابند. یکی از آن سخنان همین «هر فرد یک رسانه نشویم!» است. این سخن یا شعار نسبتاً جدید است. قبل از گسترش امکانات ارتباطی مدرن، نظیر اینترنت و تلفن همراه، کسی نمی‌گفت بیابید هر فرد یک رسانه نشویم. امروز که امکانات و ابزارهای ارتباطی به‌صورت گسترده و نسبتاً ارزان در اختیار عموم مردم قرار گرفته‌اند، دعوت به این‌که «هر فرد یک رسانه نشویم» دعوت عجیبی به‌نظر نمی‌آید. این شعار مخصوصاً زمانی بیشتر جذاب می‌شود که جمعی از افراد یا بخشی از جامعه بخواهد خواست‌ها

و مطالباتی چون توقف ستم و اجرای عدالت را از طریق رسانه‌های امروزی پخش کند. در این گونه موارد، شعار «هر فرد یک رسانه نشویم» به افراد احساس قدرت و مسئولیت می‌دهد. اما آیا رسانه شدن هر فرد چیز مطلوبی است؟ پاسخ دادن به این سوال وقتی آسان‌تر می‌شود که ببینیم آیا گردش وسیع و سریع آنچه اطلاعات می‌نامیم، در هر حالتی برای جامعه سودمند است یا نه. بدیهی است که هر خبر و اطلاعی درست و دقیق نیست. چیزی داریم به نام شایعه و چیزی به اسم ضداطلاعات. شایعه و ضداطلاعات در ظاهر «اطلاعات» هستند اما از یک واقعیت خبر



نمی‌دهند. هر اطلاع‌نمای ناموثق و بی‌اساسی می‌تواند به شکل خبر و اطلاعات پخش شود و بر دریافت، تصمیم و حالت روانی افراد تأثیر بگذارد. وقتی که فردی از یک «اطلاعات» یا شایعه و ضداطلاعات متأثر می‌شود، هم درکش از وضعیت غیرواقعی می‌شود، هم تصمیمی که براساس آن درک نادرست می‌گیرد تصمیمی خطا خواهد بود و هم از نظر روانی دچار آشوب خواهد شد. برای این‌که رسانه شدن هر فرد بیشتر سود برساند و کمتر زیان، منطقی باید هر فرد این توانایی را داشته باشد که کاه را از گندم و اطلاعات دقیق را از شایعه و ضداطلاعات تفکیک کند. به بیانی دیگر، هر فرد باید بتواند از گفتن آنچه «نباید» پرهیز کند و در



## اعلام آمادگی امریکا برای آغاز دور هفتم مذاکرات احیای برجام؛ دولت ایران: در آستانه احیای برجام هستیم



اطلاعات روز: ند پرایس، سخن‌گوی وزارت امور خارجه امریکا این کشور برای دور هفتم مذاکرات وین با هدف احیای توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ ضرب‌الاجل تعیین نمی‌کند، اما این تهران است که باید برای از سر گرفتن مذاکرات تصمیم بگیرد. در ادامه این تحولات، علی ربیعی سخن‌گوی دولت ایران نیز امروز در اظهاراتی گفت: «در آستانه احیای برجام قرار داریم و یکبار دیگر ملت ما به مشاهده آثار مثبت این توافق نزدیک‌تر از هر زمان دیگری هستند.» وی همچنین گفت کشورش «آماده تبادل همه زندانیان

با امریکا» است.

به نقل از بی بی سی فارسی، سخن‌گوی وزارت امور خارجه امریکا گفت: «ما برای این گفتگوها ضرب‌الاجل تعیین نمی‌کنیم، اما ما آگاهیم که گذشت زمان و پیشرفت‌های هسته‌ای ایران، در دیدگاه ما در مورد بازگشت نهایی به برجام تاثیر خواهد داشت.»

ند پرایس تاکید که مهلت تعیین شده برای مذاکرات وجود ندارد و امریکا آماده است تا به دور هفتم گفتگوهای غیرمستقیم بازگردد.

روز گذشته، وزارت خارجه ایران در گزارشی از پیشرفت‌های مذاکرات وین و برخی جزئیات توافق خبر داده بود. مذاکرات برجام بهار سال ۱۴۰۰ آغاز شد. در بخشی از این گزارش، محمد جواد ظریف ابراز امیدواری کرده بود دولت بعدی این مذاکرات را به نتیجه برساند. دولت ابراهیم ربیعی کمی تا بیش از سه هفته دیگر کارش را آغاز می‌کند.

در همین رابطه، امروز نیز علی ربیعی گفت: «دولت تمام تلاش خود را برای انتقال مطلوب دولت به رییس‌جمهور منتخب و دولت آینده به کار گرفته و بر اساس تفاهم‌های انجام شده اعضای دولت تاکنون جلسات منظمی با رییس‌جمهور منتخب داشته اند و این جلسات همچنان ادامه دارد.»

او اول ماه سرطان امسال نیز اعلام کرد احیای برجام «در مذاکرات بین رییس‌جمهوری فعلی ایران و رییس‌جمهوری منتخب مورد بحث قرار گرفته و این تصمیمی نیست که این دولت یا دولت بعد بگیرد». در آن زمان آقای ربیعی گفته بود کمیته‌ای پیش‌بینی شده تا مصوبه مجلس و آنچه به تفاهم می‌رسد را تطبیق دهد.

### «آماده تبادل همه زندانیان با امریکا هستیم»

سخن‌گوی دولت ایران همچنین در واکنش به اظهارات راب مالی نماینده ویژه امریکا در امور ایران از پیشرفت در مذاکرات برای آزادی شهروندان آمریکایی زندانی در ایران گفت: «ما قبلا بارها اعلام کردیم که جمهوری اسلامی ایران بخاطر نیت انسان دوستانه آماده تبادل همه زندانیان سیاسی در مقابل آزاد کردن همه زندانیان ایرانی در سراسر جهان است که با دستور و خواست امریکا محبوس شده‌اند.»

## جریمه ۶۰۰ میلیون دلاری گوگل به دلیل رعایت نکردن حق مالکیت معنوی رسانه‌ها در فرانسه

امضا کرده بود، یکی از شاکیان باقی مانده است. حدود ۵ ماه پیش (فبروری) شرکت گوگل موافقت کرد طی سه سال به گروهی از تولیدکنندگان محتوای خبری در فرانسه مبلغی معادل ۷۶ میلیون دالر بپردازد تا به اختلاف طولانی حق مالکیت معنوی درباره انتشار خبرهای آنها پایان دهد.

بر اساس قوانین اتحادیه اروپا درباره حق مالکیت معنوی و اجرای قانونی که از آن به عنوان «حق همسایگی» یاد می‌شود، شرکت‌های بزرگ فن‌آوری ملزم به مذاکره با تولیدکنندگان محتوا شده‌اند که به دلیل استفاده از مطالبشان متقاضی دریافت مبالغی از این شرکتها هستند.

«ما در تمامی فرآیند (مذاکره) با نیت خوبی عمل کردیم» و این جریمه از تمامی تلاش‌های این شرکت برای رسیدن به توافق و اهمیت نقش اخبار در گوگل «چشم‌پوشی می‌کند.»

او همچنین گفته است گوگل تنها شرکتی است که توافقی را در این باره اعلام کرده است. نهاد ناظر رقابتی در فرانسه از شرکت گوگل خواسته بود این شرکت تا سه ماه بعد از درخواست مذاکره رسانه‌ها، به این اقدام تن دهد.

خبرگزاری رویترز گفته است «ای‌پی‌ای‌جی» که نماینده روزنامه‌های معتبری نظیر فیگارو و لوموند در فرانسه است با اینکه چارچوب توافقی را با گوگل قبلا

جریمه تا ۹۰۰ هزار یورو در روز بالاتر خواهد رفت. اوایل سال جاری میلادی شرکت گوگل به چارچوبی برای توافق با ۳۰۰ رسانه مکتوب دست یافت ولی بعضی دیگر نظیر خبرگزاری فرانسه (ای‌اف‌پی) به دنبال توافق بهتری بودند.

تولیدکنندگان محتوای خبری نظیر خبرگزاری فرانسه می‌گویند شرکت گوگل برای یافتن زمینه‌های مشترک برای پرداخت حق انتشار مطالب خبری، با «نیت خوبی» وارد مذاکره نشده است.

گوگل این تصمیم را مایوس کننده خوانده است. یک سخن‌گوی گوگل به خبرگزاری رویترز گفته است:

اطلاعات روز: نهاد ناظر بر رقابت بازار در فرانسه شرکت آمریکایی گوگل را به دلیل رعایت نکردن حق مالکیت معنوی نیم میلیارد یورو (۶۰۰ میلیون دالر) جریمه کرده است.

به گزارش بی بی سی فارسی، این جریمه مرتبط با خبر و گزارش‌های خبریست که گوگل عینا از رسانه‌های مختلف منتشر می‌کند.

این نهاد گفته است شرکت گوگل درباره پرداخت حق اشتراک این خبرها و گزارش‌ها با نیت مناسبی با تولیدکنندگان محتوای خبری مذاکره نکرده است. به شرکت گوگل ۲ ماه وقت داده شده تا به مطبوعات و مجلات فرانسوی گرامت بپردازد در غیر اینصورت مبلغ

## به دنبال تظاهرات بزرگ ضد دولتی، یک صد روزنامه‌نگار، فعال مدنی و هنرمند سرشناس در کوبا بازداشت شدند

جو بایدن خواست در برابر حکومت هاوانا بایستد. ترمپ با اشاره به تلاش دموکرات‌ها برای کاهش فشارهای دولت ترمپ بر حکومت کوبا، گفت: زمانی که مردم کوبا زندانی و کشته می‌شدند باراک اوباما با رائول کاسترو بیسبال بازی می‌کرد.

از سوی دیگر آنتونی بلینکن، وزیر خارجه امریکا، نیز در نشست خبری خود با اشاره به اعتراضات مردمی در کوبا، بر حمایت واشینگتن از مردم کوبا و کلیه افرادی که در جهان خواستار حقوق انسانی خود هستند، تاکید کرد.

بلینکن از «رژیم کوبا» خواست به حق مردم این کشور در تصمیم‌گیری برای سرنوشت خود احترام بگذارد.

این درحالی است که دیاز کانل، که رییس‌جمهور و رییس حزب کمونیست کوبا، عصر یکشنبه طی سخنانی که از تلویزیون دولتی کوبا پخش شد، اعتراضات را به امریکا نسبت داد.

رییس حزب کمونیست کوبا گفت که بسیاری از معترضان صادق بودند اما بازیچه «مزدوران داخلی» و کارزارهایی شده‌اند که امریکا در رسانه‌های اجتماعی به راه انداخته و هشدار داد که «فتنه‌انگیزی‌های» بیشتر تحمل نخواهد شد و از حامیان دولت خواست با این «فتنه‌انگیزی‌ها» مقابله کنند.



بایدن افزود از کوبا می‌خواهیم صدای مردم را بشنود و به نیازهایشان رسیدگی کند.

همزمان دونالد ترمپ، رییس‌جمهوری پیشین ایالات متحده، در بیانیه‌ای با اشاره به اعتراضات مردم کوبا از دولت

به دنبال این دستگیری‌ها، شماری از خانواده‌های بازداشت‌شدگان روز دوشنبه مقابل یک مرکز پولیس در هاوانا برای اطلاع از سرنوشت بستگان خود تجمع کردند. نهاد حقوق بشر کوبالکس عنوان کرد که نیروهای امنیتی کوبا اغلب روزنامه‌نگاران، هنرمندان و فعالان مدنی بازداشت شده را به اتهام اقدام علیه امنیت ملی کوبا و تحریک مردم به اعتراضات خیابانی متهم کرده‌اند.

در میان بازداشت‌شدگان از گروهی از هنرمندان کوبایی نیز نام برده شده است که در جریان اعتراضات روز یکشنبه خواهان این شده بودند که تلویزیون دولتی کوبا به آنها نیز فرص و اجازه صحبت کردن از شرایط کشور را بدهند.

نت بلاکس، موسسه ناظر بر اینترنت، نیز روز دوشنبه در صفحه توییتر خود گزارش داد که رسانه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها در کوبا از روز دوشنبه با محدودیت مواجه شده‌اند.

جو بایدن، رییس‌جمهوری امریکا، در واکنش به اعتراض‌های ضد دولتی مردم کوبا، روز دوشنبه ۲۱ سرطان در بیانیه‌ای گفت امریکا در کنار آنها برای آزادی، رهایی از کرونا و دهه‌ها سرکوب می‌ایستد.

او تاکید کرد که مردم کوبا حقوق اساسی و همگانی خود را طلب می‌کنند باید به این حقوق احترام گذاشت.

اطلاعات روز: به دنبال برگزاری بزرگترین تظاهرات ضد دولتی چند دهه اخیر در کوبا، نیروهای امنیتی این کشور طی روز یکشنبه و دوشنبه ده‌ها روزنامه‌نگار، هنرمند و فعال مدنی این کشور را بازداشت کردند.

به گزارش ایران اینترنشنال، بازداشت‌های گسترده پس از آن آغاز شد که هزاران کوبایی روز یکشنبه ۲۱ سرطان، در اعتراض به اوضاع وخیم اقتصادی، افزایش مشکلات معیشتی و درمانی پس از گسترش کرونا در این کشور و همچنین سرکوب مداوم آزادی‌های مدنی، در بزرگ‌ترین تظاهرات ضد دولتی چند دهه اخیر به خیابان‌ها آمدند و خواهان «آزادی» و «پایان دیکتاتوری» و خواستار کناره‌گیری میگل دیاز کانل، رییس‌جمهوری این کشور شدند.

به گفته نهاد حقوق بشر کوبالکس از میان دست‌کم ۱۰۰ نفر از روزنامه‌نگاران و هنرمندان مستقل و فعالان مدنی که طی روز یکشنبه و دوشنبه در هاوانا و دیگر شهرهای کوبا بازداشت شدند ۷۳ نفر از چهره‌های شناخته شده در این کشور هستند.

بنابر گزارش این نهاد حقوق بشری، شماری از روزنامه‌نگاران کوبایی به هنگام پوشش اعتراضات بازداشت شده‌اند ولی نیروهای امنیتی کوبا شماری از فعالان مدنی، روزنامه‌نگاران و هنرمندان را در منازلشان بازداشت کردند.

 <p>دکترهنی اوبولگولواومالداری وزارت زراعت، آبیاری و مالرداری</p>	<p>معینیت مالی و اداری ریاست تهیه و تدارکات آمریت تدارکات امور ساختمانی مدیریت عمومی تدارکات امور ساختمانی</p>	<p>دافغانستان اسلامی جمهوری جمهوری اسلامی افغانستان</p> 
<h3>«اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد»</h3>		
<p>بدینوسیله به تا سی از فتره (۲) ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده می شود، که ریاست تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالرداری در نظر دارد قرارداد اعمار یک باب گدام غله جات به ظرفیت ۴۰۰۰ تن با حفر چاه عمیق در ولایت خوست را به شرکت ساختمانی فضل باری جمال زوی دارنده جواز نمبر (D-۲۳۹۲۲) واقع میرویس میدان، کابل، افغانستان به قیمت مجموعی ۲۸،۱۱۹،۶۴۰،۰۰۰ (بیست و هشت میلیون و یک صد و نژده هزار و ششصد و چهل افغانی) اعطاء نماید.</p> <p>اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، می توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توأم با دلایل آن به ریاست تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالرداری واقع جمال مینه ناحیه سوم، کابل، افغانستان مطابق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارائه نمایند.</p> <p>این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل میعاد فوق الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.</p>		

## استراتژی‌های شکستن بن‌بست در مذاکرات صلح؛ سازماندهی اقدامات بین‌المللی (۲)



حفظ کند - مانند صحرای غربی، جایی که گروهی از دوستان با توجه به اولویت‌های متمایز از توافق‌نامه‌ی تأیید شده توسط خود شورا، اقداماتی را در شورای امنیت روی دست می‌گیرند. پویایی فراتر از زمینه فوری یک درگیری خاص - از مشغله‌های تروریستی گرفته تا موضوعی مانند پیوستن به اتحادیه اروپا - نیز می‌تواند تأثیر یک سازوکار را متحمل شود.

حساسیت‌های مربوط به ترکیب گروه‌ها، منعکس‌کننده‌ی یک عمل متعادل چند ساله بین کارآیی یک گروه کوچک و مشروعیت ارائه شده توسط نمایندگی ایالات متحده - یک مشکل مداوم است. اعضای یک گروه بر انعطاف‌پذیری، اعتماد و انسجام قابل توسعه در میان تعداد کمی از دولت‌ها تأکید خواهند کرد. با وجود نفوذی که این گروه‌ها می‌توانند جمع کنند - اقتدار شورای امنیت سازمان ملل متحد را غصب کرده و یا بازیگران منطقه را مستثنا کنند - هزینه‌ای را نیز متحمل می‌شود. در برخی موارد ایجاد یک ساختار دو لایه به رفع این مسائل کمک کرده است؛ به‌طور نمونه، در تیمور شرقی یک «گروه پشتیبانی» بزرگ‌تر گروه کوچک هسته‌ای را تکمیل می‌کند. در برخی دیگر، فشار برای ورود به گروه‌های بزرگی منجر شده است که نمی‌توانند نقش موثری داشته باشند. جای تعجب نیست که صلح خواهان باتجربه گاهی از یک گروه کاملاً طفره رفته‌اند. نمونه‌اش قبرس در سال ۱۹۹۹ و افغانستان پس از ۲۰۰۱ است که ترجیح می‌دادند هماهنگی و تکمیل چندین بازیگر خارجی درگیر در هر مورد را با روش‌های

را ایفا می‌کردند. بازیگران منطقه‌ای - مانند استرالیا و نیوزیلند و به‌ویژه جاپان - منافع قانونی در امنیت همسایگی خود داشتند و برای اطمینان از حفظ آن، منابع قابل توجهی فراهم می‌کردند. اعضای دورتر شورای امنیت سازمان ملل - مانند ایالات متحده و انگلستان - از پیش‌بینی منطقه استقبال کرده و حمایت دیپلماتیک و سایر موارد را به صورت مناسب انجام می‌دادند. در سودان نیز کشورهای تروئیکا توانستند با هم‌دیگر همکاری کنند تا مداخلات مختلف خود را اعمال کنند و از نفوذ طرف‌های درگیری مسلحانه که با آن‌ها روابط عمیق اما متمایزی داشتند، جلوگیری کنند. بریتانیا به دلایل تاریخی دانش بیشتر در مورد شمال به‌دست آورد، همدلی‌ها و نفوذ ایالات متحده قدرت بیشتری به جنوب آن داد، در حالی که ناروی در جایی بین این دو منطقه مسئولیت گرفت.

نتایج مثبت حاصل از درگیر شدن یک ساختار گروهی هنوز تضمین نشده است. اختلافات داخلی یا سایر عوامل مربوط به عضویت یک گروه، بیشتر آن‌ها ناشی از ناسازگاری در منافع اعضا در یک درگیری خاص است که می‌تواند کاربرد آن‌را در یک روند محدود کند. علاوه بر حساسیت‌های طرف‌های درگیری، ایجاد حساسیت‌هایی برای مدیریت و مذاکره در مورد گرجستان / آبخازیا، اختلافات بین اعضای اروپایی این گروه - به شمول فرانسه، آلمان و بریتانیا - ایالات متحده و روسیه گروه دوستان را با حضور ۱۵ ساله‌ی شان آزار داده است. در موارد دیگر گروه‌ها هویتی خاص از خود دارند که می‌تواند وضعیت موجود را

با طرفین درگیری در موارد موفق، به اعضای سازوکارهای مربوطه گروه دوستان، هسته و تروئیکا اجازه می‌دهد تا انگیزه‌ها و فشارهای مربوط به طرفین را در پشت پرده‌ی چشم‌انداز مشتری که ممکن است حل مسالمت‌آمیز مناقشه به‌نظر برسد، تقسیم کند. علاوه بر این، این چشم‌انداز ریشه در خواسته‌های طرفین درگیر دارد، زیرا آن‌ها در مذاکرات تکامل یافته و توسط بازیگران خارجی تشویق می‌شوند، اما خودسرانه اعمال نمی‌شود. یک نمونه‌ی عینی السالوادور است؛ زمانی که مذاکرات صلح السالوادور پایان می‌یافت، گروه دوستان بسیار تلاش کردند تا هر دو طرف را تشویق کنند که تعداد قابل توجهی از چریک‌های سابق را در یک نیروی پولیس ملی جدید بپذیرند. این موضوع یک سازش آشکار بین خواسته‌های اصلی چریک‌ها برای ادغام دواتش و رد دولت از چنین نتیجه‌ای بود اما همچنین راه‌حلی بود که نه خود گروه دوستان و نه میانجی سازمان ملل متحد که از آن‌ها حمایت می‌کردند، پیش‌بینی نمی‌کردند که مذاکرات یک‌ونیم سال زودتر آغاز شود.

تمایز در نقش‌هایی که دوستان مختلف دنبال می‌کردند، در امریکای مرکزی و تیمور شرقی و همچنین در جنوب سودان مشهود بود. به‌عنوان مثال در السالوادور و گواتمالا روابط ممتاز مکزیکی با شورشیان و روابط ایالات متحده با دولت‌ها، اجازه‌ی تحت فشار قراردادن هر یک از طرفین در لحظات مهم مذاکرات را می‌داد. در همین حال گروه هسته‌ای تیمور شرقی متشکل از دولت‌هایی بود که نقش‌های مشخص و کاملاً متمایزی

نتایج مثبت حاصل از درگیر شدن یک ساختار گروهی هنوز تضمین نشده است. اختلافات داخلی یا سایر عوامل مربوط به عضویت یک گروه، بیشتر آن‌ها ناشی از ناسازگاری در منافع اعضا در یک درگیری خاص است که می‌تواند کاربرد آن‌را در یک روند محدود کند.

فاطمه فرامرز

جوانب مثبت و منفی هماهنگی

استراتژیک

منافع بالقوه حاصل از مشارکت گروه کوچکی از دولت‌ها در روند ادامه‌ی روند صلح قابل توجه است. در بهترین حالت - همان‌طور که به‌عنوان مثال در مذاکرات توافق‌نامه‌های صلح در امریکای مرکزی نقش‌ها که گروه هسته‌ای در تیمور شرقی یا درگیری تروئیکا در جنوب سودان ایفا کرده است - دیده شده است؛ آن‌ها از اهرم فشار، اطلاعات و کمک عملی به میانجی اصلی - از جمله از طریق هماهنگی اقدامات در شورای امنیت در صورت لزوم - و مشروعیت و نفوذ دولت‌ها در این گروه‌ها استفاده کرده است. یک سطح تعادل و همچنین کمک‌های فنی و دیگر موارد به طرف‌های درگیر که ممکن است با عدم تقارن مشخص شود، و همین‌طور توجه، منابع و پتانسیل انسجام در کل مداخله بین‌المللی، صورت گرفته است.

شرایطی که این پتانسیل در آن حاصل شده است، البته متناسب با ویژگی‌های منحصر به فرد هر روند صلح، بسیار متفاوت بوده است. با این حال، برخی از عناصر مشترک را می‌توان شناسایی کرد، که شامل موارد زیر است:

- رهبری روشن و پذیرفته‌شده ابتکار صلح؛
- یک محیط مساعد منطقه‌ای با مشارکت منطقه‌ای قابل توجه با سازوکار گروه - به‌عنوان مثال توسط نقش مکزیکی در گروه‌های امریکای مرکزی، یا استرالیا و نیوزیلند در گروه هسته‌ای در تیمور شرقی دیده می‌شود.
- طرفین درگیری با سابقه تعامل با جامعه بین‌الملل، با بازیگران غیر دولتی که دارای رهبری موثر، کنترل قلمرو و / یا یک برنامه سیاسی مشخص هستند.
- یک عضویت انتخابی (چهار تا شش دولت)، هم‌فکر در حل و فصل منازعات به عنوان بالاترین هدف؛

- و یک حس حاد از زمان درگیری مکانیسم در یک روند صلح، ناشی از درک این است که این تعیین می‌کند که یک دوست یا یک گروه مرتبط می‌تواند چه مشارکت داشته باشد. مکمل بودن در یک گروه برای سودمندی آن بسیار مهم است. به‌عنوان مثال اختلاف روابط



دکترهنی، اوبولگولواومالداری وزارت زراعت، آبیاری و مالداری

معینیت مالی واداری ریاست تهیه و تدارکات آمريت تدارکات اجناس و خدمات غير مشورتی

دافغانستان اسلامی جمهوریت جمهوری اسلامی افغانستان



### «اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد»

بدینوسیله به تاسی از ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده میشود که وزارت زراعت، آبیاری و مالداری در نظر دارد تا پروژه (تدارک ۱۵ قلم وسایل تکنالوژی و تجهیزات دفتری مورد ضرورت ریاست عمومی ترویج زراعتی) با کود نمبر MAIL/PD/NCB/G287/1400 را به شرکت محترم خدمات لوژستیک بآکام دارنده جواز نمبر (۵۹۷۶۰) به قیمت مجموعی مبلغ (۱,۰۵۹,۹۳۰) یک میلیون و پنجاه و نه هزار و نه صد و سی افغانی اعطا نماید. اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، میتوانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توام با دلایل آن به ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداری واقع کارته سخی، جمال مینه، وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارایه نمایند. این اطلاعیه به معنی عقد قرار داد نبوده والی تکمیل معیاد فوق الذکر وطی مراحل قانونی بعدی، قرار داد منعقد نخواهد شد.



دکترهنی، اوبولگولواومالداری وزارت زراعت، آبیاری و مالداری

معینیت مالی واداری ریاست تهیه و تدارکات آمريت تدارکات اجناس و خدمات غير مشورتی

دافغانستان اسلامی جمهوریت جمهوری اسلامی افغانستان



### «اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد»

بدینوسیله به تاسی از ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده میشود که وزارت زراعت، آبیاری و مالداری در نظر دارد تا پروژه (تدارک و نصب سه پایه و اثر پمپ زیرآبی مورد ضرورت پروژه کمر بند سبز ریاست منابع طبیعی) با کود نمبر MAIL/PD/NCB/G285/1400 را به شرکت محترم امید خورشید نورلمیتد دارنده جواز نمبر (۲۷۶۵-۰۱-۲۱) به قیمت مجموعی مبلغ (۲,۶۴۹,۴۲۰) دو میلیون و ششصد و چهل و نه هزار و چهارصد و بیست افغانی اعطا نماید. اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، میتوانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توام با دلایل آن به ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداری واقع کارته سخی، جمال مینه، وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارایه نمایند. این اطلاعیه به معنی عقد قرار داد نبوده والی تکمیل معیاد فوق الذکر وطی مراحل قانونی بعدی، قرار داد منعقد نخواهد شد.

عباس عارفی

در مراسم افتتاحیه نشست بین‌الافغانی صلح که بر مبنای توافق‌نامه دوحه میان ایالات متحده امریکا و طالبان، در قطر برگزار شد، جمهوری اسلامی ایران و روسیه غایبان درشت آن نشست بودند. اما حالا با توجه به خروج کامل نیروهای امریکایی و ناتو از افغانستان، ایران می‌خواهد نقش فعالانه‌تر در تحولات افغانستان بازی کند. چنان‌که اخیراً نمایندگان گروه طالبان و برخی از چهره‌های سیاسی و حکومتی از آدرس دولت افغانستان به دعوت رسمی وزارت خارجه ایران به تهران سفر کردند. در این نشست دوازده روز که در رسانه‌های ایران با عنوان «نشست بین‌الافغانی صلح در تهران» یاد شد، دو طرف در پایان نشست یک اعلامیه‌ی ۶ ماده‌ای را به نشر رساندند که عمده‌ترین نکته‌ی آن تأکید بر راه‌حل سیاسی بود. در اعلامیه یادآوری شده که نشست‌های این‌چنینی ادامه خواهد داشت. با توجه به پیشینه‌ی دشمنی ایران با گروه طالبان، زمانی که هشت دیپلمات و یک خبرنگار ایرانی در سال ۱۳۷۷ توسط جنگجویان طالبان در مزار شریف تیرباران شدند، ارتش و سپاه پاسداران ایران تصمیم گرفتند انتقام بگیرند و تا مرز افغانستان آمدند، اما در نهایت از حمله نظامی به افغانستان منصرف شدند. و همچنان با اشاره به اتهام‌هایی که در خصوص نقش سپاه پاسداران ایران در حمایت از گروه طالبان بر علیه نیروهای امریکایی در افغانستان پس از ۲۰۰۱م وجود دارد، اکنون این پرسش مطرح است که آیا در شرایط پس از خروج کامل نیروهای امریکایی، ممکن است سیاست خارجی ایران در قبال افغانستان و از جمله سیاست راهبردی سپاه پاسداران در رابطه به جنگ و صلح جاری تغییر کند؟ حکومت ایران و به‌خصوص نهادهای امنیتی این کشور ممکن است به حمایت از نظم کنونی و برقراری نظم سیاسی در افغانستان نقش بازی کنند؟ از سوی دیگر ایرانی‌ها نگران وقوع جنگ داخلی در افغانستان و توأم با آن سرایت این منازعه به داخل مرزهای ایران هستند، با این‌حال رابطه‌ی ایران با طالبان چگونه خواهد بود؟

عباس فراسو، پژوهشگر روابط بین‌الملل در دانشگاه دکن استرالیا، در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید نقش ایران در جنگ و صلح افغانستان بر محور امنیت مرزهایش، عدم حضور گروه‌های تروریستی بین‌المللی مثل داعش در افغانستان، مناسبات اقتصادی و تجاری و مسأله امنیت آب برجسته است. اما همه این مسائل زمانی برای ایران ممکن است که نفوذ قابل ملاحظه در افغانستان داشته باشد. «با این‌حال ایران اگر بخواهد منافعی را در افغانستان از طریق حمایت از گروه طالبان دنبال کند، بدون شک هزینه آن هم برای ایران و هم برای افغانستان سنگین خواهد بود. چرا که این یک نقطه عطف در روابط دو کشور است و برگشت

## نقش ایران در جنگ و صلح افغانستان



نشست دو روزه بین‌الافغانی صلح در تهران - عکس از شبکه‌های اجتماعی

مرزهای شرقی‌اش آسیب می‌بیند. «دغدغه ایران موضوع امنیت مرزی است و ارتباط آشکار و نزدیکی با طالبان هم از همین موضوع سرچشمه می‌گیرد. اما واقعیت این است که طالبان در این بیست سال هیچ فرقی با گذشته نکرده‌اند. بنابراین در صورت تصرف کامل قدرت در افغانستان، به همان دشمن قدیمی ایران تبدیل خواهد شد و در این صورت ایران دچار خطای محاسبه بزرگی شده است.»

محمدموسی جعفری، پژوهشگر روابط بین‌الملل و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با اطلاعات روز بر این باور است که ممکن برای ایران امنیت مرزهای شرقی‌اش در اولویت باشد و برقراری صلح و ثبات در افغانستان امنیت مرزهای شرقی ایران را تأمین کند و معضلاتی نظیر مهاجرت و قاچاق مواد مخدر را تحت کنترل درآورد، اما «معادلات پیچیده‌ی جنگ افغانستان و طرف‌های متعدد دخیل در آن باعث شده است که در سیاست خارجی ایران سناریوهای مختلفی اعم از بازیابی قدرت طالبان و سهم اساسی آن‌ها در نظام سیاسی آینده افغانستان و یا جنگ داخلی گسترده مورد توجه قرار گیرد.»

جعفری با اشاره به نفوذ ایران در معادلات سیاسی افغانستان در زمان حضور قاطع ایالات متحده امریکا در افغانستان، می‌گوید آنچه باید در مورد نقش ایران در جنگ و صلح افغانستان و به‌خصوص رابطه‌ی این کشور با گروه طالبان مورد توجه قرار گیرد این است که از زمان روی کار آمدن حکومت وحدت ملی تاکنون هرگز سطح روابط رسمی دو کشور به دوران حکومت کرزی بازنگشته است: «حساسیت ایران و افغانستان در مسائلی نظیر هیدروپولیتیک، مهاجرت، قاچاق مواد مخدر، تروریسم و ملاحظات قومی و مذهبی مسیر تعاملات دو کشور را متأثر و محدود ساخت و سردی روابط دو کشور در این دوران کاملاً مشهود بوده است. در چنین شرایطی بازی با کارت طالبان برای جمهوری اسلامی ایران خوش‌آیند بوده و نظام سیاسی آینده افغانستان فارغ از این که دموکراتیک باشد یا امارت، چنانچه در همسویی با منافع و حساسیت‌های تهران باشد، مطلوب است.» جعفری می‌گوید با خروج نیروهای امریکایی، سناریوی جنگ در افغانستان بر محوریت همراهی یا تقابل آشکار با گروه طالبان می‌چرخد. اما در چنین شرایطی یک‌سو در حال تلطیف وجهه طالبان است. با این رویکرد می‌خواهد طالبان را دل‌خوش به همراهی با ایران کند. از سوی دیگر ممکن است با کنترل نیروهای خیزش‌های مردمی در جبهه مشترک با طالبان علیه حکومت ضعیف‌شده افغانستان همدست شوند. در صورت آنچه واضح است این که نقش ایران در انارشی یا نظم سیاسی آینده افغانستان چشمگیر خواهد بود.»

در اوایل برای سرنگونی حکومت طالبان با امریکایی‌ها همکاری کرد. اما در زمینه‌ی افغانستان مشکل زمانی شروع شد که جورج بوش، رئیس‌جمهور وقت امریکا، ایران را همراه با عراق و کره شمالی «محور شرارت» خواند. پس از آن نهادهای سیاسی و امنیتی این کشور نگران استفاده امریکا از افغانستان برای حمله به ایران شدند: «ایران در این مقطع از شبکه‌ی ارتباطی خودش در افغانستان به‌عنوان وسیله‌ای برای ضربه‌زدن به نیروهای امریکایی استفاده کرد و در همین راستا به طالبان کمک کرد. یعنی ایران عملیات خود را در افغانستان در حدی دنبال کرد که نیروهای امریکایی آسیب ببینند، اما باعث فروپاشی حکومت افغانستان نشود.»

خانم امان با اشاره به منازعه‌ی ارضی افغانستان با پاکستان، می‌گوید ایران از این بابت فرق دارد، چرا که به جز یک اختلاف دیرینه در مورد آب فرامرزی هلمند، دیگر هیچ اختلاف جدی با افغانستان ندارد. این همسایه غربی هرگز به دنبال خاک افغانستان نبوده و اساساً از بی‌ثباتی در

در خروج امریکا از افغانستان با موضع ایران مبنی بر خروج امریکا از منطقه مطابقت داشته است. ظاهراً چنین اشتراکی موجب شده جنبه‌های منفی طالبان را تحت‌الشعاع قرار دهد.»

روحی‌صفت می‌گوید برخی در ایران فکر می‌کنند که به‌جای دشمنی، با کار کردن همراه طالبان بیشتر می‌توانند روی آن‌ها تأثیرگذاری داشته باشند. «اما جنبه استقلال‌رای طالبان مهم‌ترین بخش موضوع است. چرا که این مسأله هنوز کاملاً مبهم است و تمامی حرف‌های نرم طالبان را بی‌اثر خواهد ساخت.» از نظر آقای روحی‌صفت، در نتیجه‌ی سیاست‌های اشتباه امریکا، گروه طالبان حالا تبدیل به واقعیت انکارناپذیر در افغانستان شده‌اند، بنابراین «این واقعیت در همسایگی ایران است و باید با آن‌ها ارتباط برقرار کرد، اما نباید رفتارهای منفی آن‌ها را نادیده گرفت.»

فاطمه امان، تحلیلگر ارشد مرکز جنوب آسیا در شورای آتلانتیک در گفت‌وگو با اطلاعات روز با اشاره به رابطه‌ی ایران و امریکا می‌گوید جمهوری اسلامی ایران

روابط دو کشور به حالت دوستانه را در آینده بسیار سخت خواهد کرد.» فراسو می‌گوید ایران از ناحیه جنگ داخلی، قاچاق مواد مخدر، مهاجرین و ظهور گروه‌های افراطی مثل داعش در افغانستان نگران است. از آنجا که سیاست امنیتی ایران از زمان حمله امریکا به عراق، بیشتر معطوف به کشورهای عربی شد و تاکنون در عراق، یمن، لبنان و سوریه درگیر است، «نمی‌خواهد یک بحران دیگر در همسایگی‌اش ایجاد شود. به همین دلیل می‌خواهد با طالبان روابط داشته باشد. البته بدون شک روابط ایران با طالبان، حکومت افغانستان را تضعیف می‌کند.»

محسن روحی‌صفت، معاون پیشین دفتر مطالعات وزارت امور خارجه ایران در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید مهم‌ترین اولویت برای ایران موضوع مرزهایش است تا ثبات و آرامش در مناطق نورمرزی با افغانستان برقرار باشد: «این که به‌رغم دشمنی‌های قبلی بین ایران و طالبان، اکنون چگونه فضای مثبت ایجاد شده قابل کتمان نیست، چرا که مواضع و اصرار طالبان

مشکل زمانی شروع شد که جورج بوش، رئیس‌جمهور وقت امریکا، ایران را همراه با عراق و کره شمالی «محور شرارت» خواند. پس از آن نهادهای سیاسی و امنیتی این کشور نگران استفاده امریکا از افغانستان برای حمله به ایران شدند: «ایران در این مقطع از شبکه‌ی ارتباطی خودش در افغانستان به‌عنوان وسیله‌ای برای ضربه‌زدن به نیروهای امریکایی استفاده کرد و در همین راستا به طالبان کمک کرد. یعنی ایران عملیات خود را در افغانستان در حدی دنبال کرد که نیروهای امریکایی آسیب ببینند، اما باعث فروپاشی حکومت افغانستان نشود.»

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com  
• سردبیر چاپی: خادم‌حسین کریمی ۰۷۸۵۴۲۸۵۴۰  
• سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش  
• گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودر ملک‌نژاد، جلیل رونق، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس، واجد روحانی و فریضه عالمی  
• بخش صلح: حسین‌علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرز  
• مترجم: جلیل پژواک  
• ویراستار: شیر مهریار  
• صفحه‌آرا: محمدرضا مظفری  
• ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا شماره تماس: ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ - ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷  
• ایمیل: dailytilaatroz@gmail.com  
• آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷  
• توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲